

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال دوم، شماره‌ی هفتم، 1390، صص 157-182

## علل شکست زنان چپ‌گرای فعال در جنبش زنان از انقلاب مشروطه تا کودتای 28 مرداد

یاسمن یاری\*

### چکیده

موضوع این پژوهش، جنبش زنان ایران از انقلاب مشروطه تا کودتای 28 مرداد است. این نوشتار می‌کوشد به این پرسش پاسخ گوید که «چرا فعالیت‌های زنان چپ‌گرا در جنبش زنان ایران، در این برهه‌ی زمانی شکست خورد؟» برای ریشه‌یابی این رخداد، از نظریه‌ی کارکردگرایی پارسونز استفاده شده است. مدعای این پژوهش چنین است که: سازمان‌های چپ‌گرای فعال در جنبش زنان ایران، به دلیل مطابقت نداشتن با فرهنگ اجتماعی ایران، دنبال نکردن اهداف اولیه (کسب حقوق زنان) و پایدار نبودن شکست خوردند. نتیجه‌ی بررسی‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های زنان چپ فعال در جنبش زنان ایران، در دوره‌ی پهلوی دوم، به علت وابستگی به احزاب چپ، به‌ویژه حزب توده صدمات بسیاری دیدند و مشکلاتی که ستون‌های حزب توده را به لرزه درآورد، سازمان‌های زنان وابسته به این حزب را هم گرفتار کرد و به شکست فعالیت‌های آنها در جریان جنبش زنان ایران منجر شد.

واژگان کلیدی: جنبش زنان، گروه‌های چپ‌گرا، سوسیالیسم، کمونیسم.

---

\* دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (yari\_yasaman@yahoo.com)

تاریخ دریافت: 90/3/18 - تاریخ تأیید: 91/2/24

### کلیات پژوهش

تلاش این پژوهش یافتن پاسخی برای این سوال است که «چرا فعالیت‌های زنان چپ‌گرای فعال در جنبش زنان ایران شکست خورد؟» برای پاسخگویی به این پرسش، از نظریه‌ی کارکردگرایی ساختاری<sup>1</sup> پارسونز کمک گرفته شده است. نظریه‌ی پارسونز در مرحله‌ی دوم تحول خویش، به شرح و بسط «نظریه کنش اجتماعی» شامل مفاهیم تعیین‌کننده‌ی نظام<sup>2</sup> و نیازهای موجود در یک نظام می‌پردازد. از دید پارسونز، بقا در یکپارچگی نظام یا راه‌هایی خلاصه می‌شود که از طریق آنها نظامی نسبتاً پایدار به‌عنوان ویژگی تعادل پویا حاصل می‌آید. او به این امر می‌پردازد که افراد آزاد چگونه می‌توانند ساختاری اجتماعی را ایجاد کنند که هر لحظه، با خطر سقوط روبه‌رو نباشد.<sup>3</sup> در همین زمینه، پارسونز چهار کارکرد یا چهار بُعد نظام کنش را معرفی می‌کند و بقای هر سیستم را در گرو این چهار کارکرد - که پارادایم چهارکارکردی نامیده می‌شود - می‌داند. این چهار کارکرد عبارتند از:

1. سازگاری: شامل کارکردهایی که نظام را با محیط، مقتضیات، تنگناها و محدودیت‌های سازگار می‌کند؛
2. دستیابی به هدف: بر اساس این کارکرد، سیستم باید هدف‌های اصلی خود را تعیین و آنها را دنبال کند؛
3. ثبات و انسجام: این کارکرد، شامل کنش‌های حمایت‌گر نظام در برابر تغییرات ناگهانی و اختلال‌های بزرگ و نیز کنش‌هایی است که باید یکپارچگی و همبستگی لازم را برای ماندگاری کارکرد نظام فراهم کند؛
4. دنبال کردن هدف: هر نظام کنش به مجموعه‌ای از اجزای کنش نیاز دارد که کار آنها ایجاد انگیزش لازم در کنشگران است.<sup>4</sup>

1. Structural Functionalism

2. System

3. پیتر همیلتون، (1379)، تالکوت پارسونز، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، هرمس، صص 9-10.

4. گی روشه، (1376)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ص 77؛ تالکوت پارسونز، صص 135-136؛ یان کرایب، (1378)، نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، آگاه، ص 59.

### پیشینه تحقیق

موضوع تاریخ زنان و پرداختن به زن در تاریخ ایران، به دوران معاصر و قرن گذشته بازمی‌گردد. اما در سال‌های اخیر، پژوهشگران تاریخ، اهمیت بیشتری به این موضوع داده‌اند و حتی در بعضی از دانشگاه‌ها، به صورت تخصصی به آن پرداخته‌اند که نویدی برای آینده‌ی روشن این شاخه‌ی پژوهشی است. هرچند درباره‌ی موضوع این نوشتار، تا به حال پژوهش مستقلی صورت نگرفته، درباره‌ی موضوع جنبش زنان، آثار ارزشمندی به طبع رسیده است، از جمله: انجمن‌های سری زنان در نهضت مشروطیت، جنبش زنان در ایران، زن ایرانی در نشریات مشروطه، کتاب سناتور یا فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران. این کتاب‌ها حاوی اطلاعات ارزنده‌ای درباره‌ی زنان چپ‌گرا در جنبش زنان است. در این میان، کتاب‌هایی مانند خاطرات مریم فیروز و کتاب ما هم در این خانه حقی داریم خاطرات زنان فعال را در این حوزه در بر گرفته و اهمیت ویژه‌ای دارد.

اما شاید مهم‌ترین اثری که اطلاعات ارزشمندی را درباره‌ی زنان چپ‌گرای جنبش زنان ارائه می‌دهد، کتاب *Women and the political process in twentieth Century Iran* اثر پروین پایدار باشد. البته، پایان‌نامه‌هایی نیز در این باره نوشته شده است که نهضت زنان ایران و نشریات 1320-1332 و نقش گروه‌ها و احزاب در مشارکت سیاسی زنان از جمله‌ی آنها هستند که می‌تواند در تکمیل این پژوهش مؤثر باشد.

### مقدمه

انقلاب مشروطه، نقطه‌ی عطفی در تاریخ معاصر ایران است؛ برهه‌ای حساس در تاریخ که در طی آن، تحولات جدی چهره‌ی کاملاً سنتی جامعه را دگرگون ساخت. یکی از این تحولات، آشنایی ایرانیان با غرب بود. روشنفکران ایرانی در پی آشنایی با وضعیت زنان در اروپا و تحولات دگرگون‌کننده‌ی زندگی زنان ساکن کشورهای پیشرفته، به فکر افتادند با تغییر وضعیت زنان در جامعه، راه پیشرفت کشور را هموارتر سازند.

یکی از تحفه‌های غرب که در همین دوران به ایران راه یافت، نحله‌های جدید مارکسیسم و سوسیالیسم بود که به سرعت در بین گروه‌های سیاسی گسترش یافت. ادعای دفاع از حقوق اقشار ضعیف و زیردست جامعه، مانند کارگران، دهقانان، زنان و کودکان،

موجب شد این گروه‌های سیاسی، مدعی دفاع از حقوق زنان نیز شوند. در نتیجه، در کنار تشکیلات حزبی و سازمانی خویش، زنان را به تدریج پذیرفتند و به این ترتیب، زنان به یکی از اجزاء فعال در این احزاب تبدیل شدند. البته، نباید نادیده گرفت که در همان دوران، احزاب سیاسی دیگری نیز بودند که به تدریج زنان را یا در حاشیه یا درون خود پذیرفتند؛ احزابی مانند «حزب دموکرات ایران» با ریاست قوام<sup>۱</sup> یا «حزب ایران» از احزاب ملی‌گرای فعال در دوره‌ی مصدق<sup>۲</sup> از این جمله‌اند. اما حقیقت این است که هیچ‌یک تحرک، پویایی و چالشی را نداشتند که زنان چپ‌گرا از دوران مشروطیت تا کودتای 28 مرداد نشان دادند. پرسش اصلی مطرح در بررسی عملکرد این گروه از زنان این است که «چرا فعالیت‌های زنان چپ‌گرا در جنبش زنان ایران با تمام امکانات وسیعی که در اختیار این گروه‌ها بود، شکست خورد؟ و حتی روند کلی جنبش زنان نیز به علت عملکرد نادرست ایشان آسیب دید؟» البته، ادعای شکست زنان چپ‌گرا به این معنا نیست که این «شکست» با «موفقیت»های دیگر گروه‌های فعال در جنبش زنان مقایسه شده است، بلکه این شکست از آنجا اهمیت می‌یابد که گروه‌های زنان چپ‌گرا، در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی، بسیار پرتحرک‌تر و سازمان‌یافته‌تر عمل می‌کردند و این انتظار را شکل می‌دادند که فعالیت‌های ایشان نتایج چشمگیر در جامعه خواهد داشت؛ انتظاری که هرگز برآورده نشد. این نوشتار، با این مدعا آغاز شده است که سازمان‌های چپ‌گرای فعال در جنبش زنان ایران به دلیل مطابقت نداشتن با فرهنگ اجتماعی ایران، دنبال نکردن اهداف اولیه (کسب حقوق زنان)، و پایدار نبودن محکوم به شکست شدند.

### آغاز فعالیت‌های زنان چپ‌گرا در جنبش زنان ایران

آغاز جنبش زنان در ایران، با آشنایی ایران با غرب و دستاوردهای آن همراه بود. هرچند محققانی که در این زمینه پژوهش کرده‌اند درباره‌ی زمان شروع این جنبش در ایران دیدگاه‌های متفاوتی دارند، حقیقت مشترک در تمام این دیدگاه‌ها، از آغاز جدی این جنبش در جریان انقلاب مشروطه حکایت می‌کند.

1. سیمین فصیحی و مریم نوری امیرآبادی، (1389)، «نقش دوگانه حزب دموکرات ایران در مشارکت سیاسی زنان»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیستم، شماره 6، بهار 1389، ص 115.

2. Parvin Paidar, (1990) *Women and the political process in twentieth-century Iran*. Cambridge university press. Scott, Alan (1995). *Ideology and the new social*, P. 132.

نخستین مشارکت زنان در اعتراضات مردمی علیه ستم شاهان قاجاری، در جریان دفاع از اقدام میرزا حسن آشتیانی علیه امتیاز تنباکو رخ داد.<sup>1</sup> اما فعالیت‌های سیاسی جدی‌تر زنان، در انقلاب مشروطه صورت گرفت. «ژانت آفاری» با بررسی منابع به این نتیجه رسیده است که بذر جنبش زنان ایران، در آغاز سده بیستم و مقارن وقوع انقلاب مشروطیت پاشیده شده است.<sup>2</sup> شرکت زنان در انقلاب مشروطیت، از زمان شکل‌گیری نخستین بارقه‌های انقلاب مشروطه آغاز شد. برای مثال، در کتاب سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران، درباره‌ی شرکت زنان در انقلاب مشروطیت آمده است: «در نهضت مشروطه ایران زنان ایرانی نیز مشارکت داشتند. عکس یک دسته‌ی شصت نفری از زنان چادر به سر ایرانی، تفنگ به‌دست اکنون در اختیار ماست. اینان محافظ یکی از سنگرهای تبریز بودند.»<sup>3</sup>

سرانجام، مبارزات مردم ایران در انقلاب مشروطیت در سال 1324 هـ.ق پیروز و قانون اساسی مشروطه در چهارده ذی‌القعدة همان سال تدوین شد. اما در ماده سوم و پنجم نظامنامه‌ی انتخابات مجلس، زنان در کنار اطفال، دیوانگان و اتباع بیگانه، از انتخاب شدن به نمایندگی و انتخاب نمودن نمایندگان مجلس محروم شده بودند. هرچند، ورود زنان به انقلاب مشروطه و جانفشانی آنها در جریان این انقلاب، ظاهراً ثمره‌ای برای ایشان نداشت، این حقیقت را نباید نادیده گرفت که آنها با حضور در این انقلاب، درهای ورود به جامعه را به روی خود گشودند.

جنبش زنان در این دوران، هرچند خودجوش بود و از این لحاظ، با دوره‌های بعدی تفاوت داشت، نمی‌توان ارتباط جنبش زنان ایران را در این دوره با احزاب و فعالان سیاسی و روشنفکران نادیده گرفت؛ از آن جمله می‌توان به ارتباط با حزب کمونیست ایران اشاره کرد.

1. حسن کربلائی، (1361)، قرارداد رژی 1890 م یا تاریخ انحصار دخانیات در سال 1309 ق، تهران، انتشارات مبارزان، صص 110-111.

2. سعید زاهد زاهدانی و بیژن خواجه‌نوری، (1384)، جنبش زنان ایران، شیراز، ملک سلیمان، ص 8.

3. م. پاولویچ و و. س. ایر تریا، (1357)، سه مقاله درباره انقلاب مشروطه‌ی ایران، ترجمه‌ی م. هوشیار، تهران، ص 55.

سابقه‌ی تشکیل «حزب کمونیست ایران» به شکل‌گیری «حزب سوسیال دموکرات آذربایجان» (همت) در سال 1283 هـ.ش در میان کارگران ایرانی شاغل در باکو بازمی‌گردد.<sup>1</sup> در دومین کنگره‌ی حزب در سال 1306 هـ.ش، خواسته‌های اقتصادی زنان، مانند منع کار شبانه برای زنان و اطفال و مرخصی همراه با حقوق برای زنان آبستن، چهار هفته پیش و چهار هفته پس از وضع حمل مطرح و تصویب شد.<sup>2</sup> بدین ترتیب، گروه‌های چپ‌گرا از همان ابتدا مدعی دفاع از حقوق زنان بودند.

در انقلاب مشروطه، زنان برای اولین بار، به نقش خود به‌مثابه عضوی از جامعه پی بردند و در طلب حقوق خویش یا به عرصه‌ی جامعه گذاشتند و به تشکیل انجمن، ایراد سخنرانی، تأسیس مدرسه‌ی دخترانه و نوشتن مقاله مبادرت ورزیدند و کم‌کم متقاضی رسیدگی به وضع خود شدند.

برای اولین بار، «مورگان شوستر» در سال 1320 هـ.ق به وجود انجمن‌های سری زنان اشاره کرده است.<sup>3</sup> فعالیت زنان چپ‌گرا در جنبش زنان ایران نیز با تشکیل اولین جمعیت زنان در ایران آغاز شد. این زنان که به حزب سوسیال دموکرات ایران وابسته بودند، فعالیت خویش را با ایجاد «جمعیت نسوان وطن‌خواه» شروع کردند. جمعیت نسوان وطن‌خواه در سال 1342 هـ.ق به سرپرستی محترم اسکندری در تهران تشکیل شد. این گروه را زنانی روشنفکر هدایت و سازماندهی می‌کردند که عمدتاً اندیشه‌های چپ داشتند. محترم اسکندری، در حقیقت، پرورده‌ی دست همسر خویش بود. به نوشته‌ی بدرالملوک بامداد، پدر اسکندری از مشروطه‌خواهانی بود که «انجمن آدمیت» را تأسیس کرد.<sup>4</sup>

این جمعیت خود را به حزب سوسیالیزم پیوند زده بود و دو آتشه‌ترین و فعال‌ترین سازمان زنان ایران بود.<sup>5</sup> این جمعیت از پرکارترین گروه‌های زنان بود که چندی بعد، نام

1. محسن مدیر شانه‌چی، (1384)، فرهنگ احزاب و جمعیت‌های سیاسی ایران، تهران، نگاه معاصر، ص 89.

2. صدای مردم ایران، (1386)، «65 مین سالگرد تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و فرازهایی از تاریخ پر افتخار آن»، نشانی اینترنتی: [www.sedaymardom.net](http://www.sedaymardom.net)، تاریخ دسترسی: 1388/8/27، ص 1.

3. مورگان شوستر، (1333)، اختناق ایران، کلکته، مطبع حبل‌المتین، ص 237.

4. بدرالملوک بامداد، (1347)، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، صص 47-48.

5. *Women and the political process in twentieth-century Iran*, p 96.

خود را به «بیداری زنان» تغییر داد.<sup>1</sup> جمعیت نسوان وطن‌خواه، تنها سازمان زنان بود که توانایی سازمان‌دهی ماهرانه‌ای داشت. محترم اسکندری، میتینگ‌ها، تظاهرات، جمع‌آوری نامه‌های سرگشاده و گرد آوردن گروه‌های زنان را در موقع لازم سازمان می‌داد. توانایی سازمان‌دهی محترم اسکندری، حتی پس از انحلال جمعیت نسوان وطن‌خواه تحسین می‌شد.<sup>2</sup> البته، ممکن است این توانایی و موفقیت‌های آن، به علت وابستگی به یک حزب سیاسی و برخورداری از حمایت مردان باشد که پیش از آن، انجمن‌های دیگر از آن برخوردار نشده بودند.

جمعیت نسوان وطن‌خواه فعالیت خود را تا سال 1311 هـ.ش ادامه داد. دومین مجمع چپ‌گرای این دوران که مرام کمونیستی داشت و مرام خویش را آشکارا ابراز می‌کرد، جمعیت «بیک سعادت نسوان» بود. جمعیت بیک سعادت نسوان را زنانی با اندیشه‌ی چپ به سال 1306 هـ.ش در رشت ایجاد کرده بودند.<sup>3</sup> تشکیل این انجمن متأثر از افکار کمونیستی در ایران، به‌ویژه تشکیل نخستین کنگره‌ی این حزب بود. این جمعیت نشریه‌ای نیز با همین نام منتشر می‌ساخت که نخستین نشریه‌ی کمونیستی در ایران بود. این نشریه با کمک جامعه‌ی فرهنگی ایرانیان طرفدار شوروی در رشت منتشر می‌شد.<sup>4</sup> این جمعیت قرائت‌خانه‌ای را هم در سال 1309 هـ.ش افتتاح کرد.<sup>5</sup> در نهایت، رضاشاه این جمعیت را از بین برد. به این ترتیب، فعالیت‌های زنان چپ‌گرا نیز در بطن انقلاب مشروطه آغاز شد، اما وابستگی این گروه‌ها به احزاب سیاسی چپ در ایران موجب شد سرنوشت این زنان نیز تابعی ناگزیر از سرنوشت احزاب چپ باشد.

1. غلام‌رضا وطن‌دوست، (1385)، بررسی موقعیت زن ایرانی در: نشریات مشروطه، تهران، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ص 18.

2. الیز ساناساریان، (1384)، جنبش حقوق زنان در ایران، افول و سرکوب از 1280 تا انقلاب 1357، ترجمه‌ی احمدی خراسانی، تهران، نشر اختران، ص 92.

3. همان، ص 105.

4. Parvin, Paidar, (۱۹۹۵) Women and the political process in twentieth-century Iran, p. ۹۸.

5. پری شیخ‌الاسلامی، (1351)، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران، تصحیح غفور ارشقی، زرین ص 170.



### وابستگی زنان چپ‌گرای جنبش زنان ایران به احزاب سیاسی چپ‌گرا

همان‌گونه که در بخش اول اشاره شد، گروه‌های چپ‌گرای فعال در جنبش زنان که فعالیت خود را در دوره‌ی قاجاریه آغاز کردند از ابتدا به احزاب سیاسی چپ وابسته بودند. این ویژگی که از ابتدا تا پایان فعالیت زنان چپ‌گرا دیده می‌شود، علت شکست‌های بعدی زنان چپ‌گرای فعال در جنبش زنان ایران است.

در دوران رضاشاه، استبداد سیاسی تأثیر زیادی در فعالیت جنبش زنان و احزاب سیاسی داشت. رضاشاه جلوی فعالیت‌های آزاد بسیاری از احزاب را گرفت و همه‌ی فعالیت‌های سیاسی را زیر سلطه‌ی خویش درآورد. رضاشاه، به محض رسیدن به قدرت، مبارزه با احزاب سیاسی مخالف مانند سوسیالیسم را شروع کرد. حزب سوسیالیست با کناره‌گیری اجباری «سلیمان اسکندری»، رئیس این حزب، منحل و دفاتر آن به دست اوپاش سازمان‌یافته‌ی رضاشاه به آتش کشیده شد.<sup>1</sup>

به این ترتیب، رضاشاه جلوی هرگونه فعالیت سیاسی و حتی غیرسیاسی مستقل را گرفت و کشور را به سرعت در خفقان سیاسی فرو برد. این امر دامن جنبش زنان ایران را هم گرفت و هرگونه فعالیت مستقل و خودجوش آنان ممنوع اعلام شد.

جامعه‌ی نسوان وطن‌خواه، تنها کانونی بود که توانست در دروه‌ی رضاشاه باقی بماند؛ اما در سال 1311 هـ.ش گروهی از مردم و اوپاش ترغیب شده از سوی دولت، به این انجمن حمله کردند؛ این حمله در حالی صورت گرفت که پلیس هم در آنجا حضور داشت و تماشاگر صحنه بود.<sup>2</sup> به این ترتیب، فعالیت‌های زنان نیز مانند دیگر اقشار جامعه سرکوب شد و تحت کنترل شدید دولت قرار گرفت.

در پی سقوط پهلوی اول، دوره‌ی جدیدی با مشخصه‌هایی بسیار متفاوت و بارز در تاریخ معاصر ایران آغاز شد. این دوره‌ی دوازده‌ساله که از سقوط رضاشاه تا کودتای 28 مرداد را شامل می‌شد، دوره‌ی پر تب و تاب و پرفراز و نشیبی بود که چالش‌های فراوانی را برای مردم ایران به همراه داشت.

1. یرواند آبراهامیان، (1377)، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی و دیگران، تهران، نشر نی، صص 126-127.  
2. *Women and the political process in twentieth-century Iran*, p. 102.

در طول جنگ جهانی دوم، مشکلات اقتصادی در ایران به سرعت افزایش یافت. به نظر متخصصی آمریکایی - که در آن زمان در ایران زندگی می‌کرد - جنگ، باعث وسیع‌تر شدن شکاف موجود بین فقر گریزکننده‌ی توده‌های محروم و ثروت معدودی افراد ممتاز شد.<sup>1</sup> نیروهای اجتماعی ایران در پی آزاد شدن از بند اسارت رضاشاه، به دنبال احیای مطبوعات آزاد، سازمان‌ها و احزاب سیاسی بودند. وارد شدن جنبش‌های اجتماعی پدید آمده بعد از جنگ دوم جهانی به ایران، واکنشی مثبت نسبت به این آزادی بود.<sup>2</sup>

این تحولات، وضعیت زنان را نیز تغییر داد. زنانی که در اواخر دوره قاجاریه، جنبش زنان ایران را پایه‌گذاری کرده بودند، در دوره‌ی پهلوی اول به بعضی خواسته‌های خود رسیدند. اما، در حقیقت، زنان نیز چون دیگر اقشار اجتماع، در این دوره، طعم تلخ استبداد خشن پهلوی اول را چشیدند؛ گروهی از ایشان راهی زندان شدند، سازمان‌ها و نشریات آنها توقیف شد و عملاً به عروسک‌های نمایشی رضاشاه بدل شدند. به محض خلاصی از استبداد رضاشاهی و ایجاد فضای آزاد ناشی از آن، جنبش زنان دست به تجدید حیات خویش زد و مبارزه‌ی زنان برای کسب حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آغاز شد.

زنان با ورود به احزاب سیاسی جدیدی که فعالیت خود را در این دوره شروع کرده بودند، برای اولین بار، از سوی مردان فعال در عرصه‌ی سیاست نیز پذیرفته شدند. در همین زمان بود که فعالیت گروه‌های چپ به‌ویژه حزب توده و حزب دموکرات به اوج خود رسید. به گفته‌ی یکی از رهبران حزب توده، این حزب در مهرماه 1320 هـ ش تأسیس و نام «توده» برای آن انتخاب شد تا جبهه‌ی وسیعی را در بر بگیرد و فقط به کمونیست‌ها محدود نماند.<sup>3</sup> این حزب، سازمان‌یافته‌ترین و پرتعدادترین سازمان حزبی بود که در ایران تشکیل می‌شد. اعضای این حزب به سرعت افزایش یافت و از شش هزار نفر در 1321 هـ ش به پنجاه هزار نفر عضو و صد هزار هوادار فعال در 1325 هـ ش رسید؛

1. نیکی آر. کدی، (1384)، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم، ص 183.

2. جان فوران، (1377)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی از سال 1500 میلادی مطابق با 879 شمسی تا انقلاب، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ص 394.

3. نورالدین کیانوری، (1371)، خاطرات نورالدین کیانوری، تهران، انتشارات اطلاعات، ص 67.

به طوری که تا آن زمان، به بزرگ‌ترین نیروی سیاسی ایران و تنها حزب بزرگ سازمان‌یافته‌ی کشور بدل شد.<sup>1</sup>

به گفته‌ی مریم فیروز، یکی از اعضای این حزب، سلیمان میرزا اسکندری که از بنیانگذران اصلی حزب توده بود، از پذیرش زنان در حزب خودداری می‌کرد و آنان حرکت خود را در حاشیه‌ی حزب آغاز کردند.<sup>2</sup> فعالیت‌های حزب توده در بین زنان، از سال 1322 هجری با تشکیل سازمان زنان برای اعضای حزب و انجمن زنان برای هواداران حزب آغاز شد. اغلب شخصیت‌های اصلی این سازمان‌ها بستگان اعضای رهبری حزب بودند؛ یعنی زهرا و تاج اسکندری از خانواده‌ی معروف اسکندری، مریم فیروز از هیئت مشورتی و همسر نورالدین کیانوری، دکتر خدیجه‌ی کشاورز، همسر دکتر فریدون کشاورز، دکتر اختر کامبخش، پزشک متخصص زنان، نویسنده‌ی کتابی درباره تربیت و پرورش کودک، خواهر نورالدین کیانوری و همسر عبدالصمد کامبخش از اعضای کمیته مرکزی حزب، بدرالملوک علوی خواهر بزرگ علوی، نویسنده شهیر ایرانی، با عالی‌ه شرمینی از اعضای کهنه‌کار جنبش زنان و مادر شرمینی که در سال‌های 27-1326 مسؤل سازمان جوانان بود.<sup>3</sup>

زنان به تدریج، توانستند به خود سازمان نیز راه یابند.<sup>4</sup> در حقیقت، بیشترین هدف حزب توده، جلب نظر زنان و استفاده از ایشان به منزله‌ی نیروی فعال و مؤثر بود. این حزب برای جذب دانش‌آموزان، آموزگاران و دیگر زنان تحصیل‌کرده کوشش بسیار می‌کرد. اغلب رهبران حزب از اینکه حزب توده، زنان اندکی را جذب کرده است، ناخرسند بودند؛ زیرا با وجود تمام تلاش‌ها و تبلیغات گسترده‌ی حزب، تنها سه‌چهارم اعضای عادی حزب را زنان تشکیل می‌دادند.<sup>5</sup>

1. مقاومت شکننده، صص 40-41.

2. مریم فرمانفرمایان، (1374)، خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمایان)، تهران، انتشارات اطلاعات، صص 44.

3. ایران بین دو انقلاب، صص 412-413.

4. خاطرات ایرج اسکندری، صص 160-161.

5. ایران بین دو انقلاب، صص 413.

از جمله‌ی کارهایی که حزب توده برای زنان انجام داد، به مجلس کشاندن دوباره‌ی موضوع حق رأی زنان بود که دکتر فریدون کشاورز آن را مطرح ساخت.<sup>1</sup> با وجود این شعارها، حزب توده هیچ زنی را به نخستین کنگره‌ی خود در سال 1323 هـ.ش دعوت نکرد. اما نمایندگان تشکیلات زنان، با پرچم «ما هم در این خانه حقی داریم» برای گفتن تبریک، وارد سالن کنگره شدند و به شرح تیره‌بختی‌های زنان پرداختند.<sup>2</sup>

شاید به همین دلیل و تلاش زنان عضو تشکیلات زنان بود که موضوع حقوق زنان در برنامه‌ی این کنگره گنجانیده و حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در مجلس مقننه و انجمن‌های ایالتی به‌عنوان یکی از خواسته‌های مهم زنان در بند شش این برنامه به‌رسمیت شناخته شد.<sup>3</sup>

از وقایع دیگری که حزب توده و گروه‌های کمونیستی ایران را با موضوع زنان مرتبط ساخت، غائله‌ای بود که حزب دموکرات در آذربایجان ایران بر پا و تا مدت‌ها حکومت ایران را مشغول خود کرد. یکی از اقدامات حزب دموکرات آذربایجان که وسیله‌ی تبلیغات برای حزب کمونیستی توده شد، برنامه‌هایی بود که حزب دموکرات در امور زنان پیاده کرد. دولت موقت آذربایجان برای اولین بار در ایران، اجازه‌ی مشارکت در انتخابات را به زنان داد. این موضوع برای زنان فعال در حزب توده دستاویزی شد تا تلاش برای گرفتن حق رأی زنان را دوباره آغاز کنند. به همین مناسبت، در نشریه‌ی بیداری ما، ارگان وابسته به تشکیلات زنان، تبلیغات وسیعی درباره‌ی این حرکت به عمل آمد و از پیشه‌وری به دلیل ایجاد زمینه‌ی مساعد برای آزادی زنان، تشکر و قدردانی شد.<sup>4</sup>

سرانجام، چند ماه بعد، حزب دموکرات آذربایجان متلاشی شد. به علت بدبینی مردم و دوری گزیدن از تفکرات کمونیستی و چپ، و همچنین عملکرد نادرست حزب توده در

1. آینده، (1323)، «راجع به تساوی حقوق زنان با مردان در انتخابات مجلس و انجمن‌های محلی»، ش 1، ص 39.

2. آفرین توکلی، (1382)، نهضت زنان ایران و نشریات 1320-1332، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، ص 54.

3. نوشین احمدی خراسانی و پروین اردلان، (1382)، سناتور (فعالیت‌های مه‌رائگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران)، تهران، توسعه، صص 387-388.

4. بیداری ما، «تلگراف به پیشه‌وری: رئیس فرقه دموکرات آذربایجان»، سال دوم، ش 8، 1325، ص 51.

دوران نخست‌وزیری مصدق، عملاً تمام تلاش‌های این گروه‌ها تغییری در وضعیت زنان ایجاد نکرد و حتی زمینه‌های شکست جنبش زنان را هم فراهم ساخت.

«تشکیلات زنان ایران» یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های زنان محسوب می‌شد که در سال 1322 هـ.ش تشکیل شد. رهبری این سازمان برعهده‌ی مریم فیروز بود.<sup>1</sup> درست در همین زمان، حضور متفقین در ایران موجب ناامنی شدیدی در کشور شد که دولت قادر به کنترل آن نبود. بسیاری از خانواده‌هایی که دختران خویش را به مدرسه فرستاده بودند، در این دوره، از ترس ناامنی، جلوی تحصیل دختران را می‌گرفتند. این گونه فشارهای گروه‌های مختلف بر جامعه‌ی زنان روزبه‌روز افزایش می‌یافت. در نتیجه‌ی همین مشکلات، ائتلاف‌نامه‌ای از سوی انجمن‌های زنان مطرح و تصویب شد.<sup>2</sup> به این ترتیب، سازمان‌های زنان و از جمله، تشکیلات زنان به فعالیت‌های جدی در زمینه‌ی فعالیت‌های ضد جنبش زنان در جامعه پرداختند. یکی دیگر از فعالیت‌های تشکیلات زنان، شرکت در کنگره‌های بین‌المللی بود.<sup>3</sup>

تشکیلات زنان برای گرفتن حق رأی زنان نیز فعالیت می‌کرد. این تشکل با تحریک نمایندگان عضو حزب توده در مجلس، برای طرح دوباره‌ی موضوع حق رأی زنان در مجلس کوشید. اما تشکیلات زنان، در حقیقت، سازمانی وابسته به حزب توده بود که عمده‌ی تلاش خود را در زمینه‌ی مسائل سیاسی مد نظر این حزب انجام می‌داد.

نشریه‌ی بیداری ما، ارگان رسمی تشکیلات زنان، بارها و به عناوین مختلف، از اقدامات پیشه‌وری در غائله‌ی آذربایجان قدردانی می‌کرد، که یکی از موارد، به بهانه‌ی حق رأی زنان در آذربایجان بود.<sup>4</sup> اینها باعث می‌شد که با وجود فعالیت‌ها و تبلیغات وسیع،

1. ناصر نجمی، (1370)، دولت‌های ایران از کودتای سوم اسفند 1299 تا آذر 1358: از سید ضیاء تا بازرگان، ج اول، تهران، نشر نویسنده، ص 701.

2. بیداری ما، (1324)، «ائتلاف زنان جبهه آزادی»، سال دوم، شماره سیزدهم، ص 4.

3. بیداری ما، (1324)، «علت نرفتن نمایندگان تشکیلات زنان به کنگره بین‌المللی زنان»، سال دوم، شماره پنجم، صص 47-48.

4. بیداری ما (1325)، «تلگراف به پیشه‌وری: رئیس فرقه دموکرات آذربایجان»، سال دوم، شماره هشتم، ص 51.

عملاً عملکرد آن رضایت‌بخش تلقی نشود. حتی خود مسئولان حزب توده از عملکرد آن انتقاد می‌کردند.<sup>1</sup>

سرانجام، در پی تیراندازی به شاه در مقابل دانشکده‌ی حقوق در روز پانزدهم بهمن 1327 هـ ش و متهم شدن حزب توده، این حزب منحل شد. در نتیجه، تشکیلات زنان وابسته به حزب هم منحل شد. در پی سازماندهی دوباره‌ی حزب توده، اعضای تشکیلات زنان نیز با تأسیس تشکیلات جدیدی به نام «سازمان زنان ایران» و انتشار نشریه‌ی جهان زنان فعالیت خود را از سر گرفتند.

اعضای اصلی سازمان زنان ایران، همان اعضای پیشین تشکیلات زنان بودند. در حالی که اغلب اعضای کمیته‌ی مرکزی تشکیلات زنان را خویشاوندان سران برجسته‌ی حزب توده تشکیل می‌دادند، هیئت مدیره‌ی سازمان زنان ایران، از افراد نه‌چندان مشهور گروه قدیم بودند. سازمان زنان ایران تشکیلاتی کاملاً سازماندهی شده و بسیار فعال بود. این سازمان، با گسترش فعالیت‌های خود در سه بخش دختران دبیرستانی و دانشگاهی، دبیران و آموزگاران مدارس و دبستان‌های دخترانه، برنامه‌ی خود را مبارزه در راه به‌دست آوردن استقلال ملی و حقوق خاص زنان اعلام کرد. همچنین، با تأسیس کتابخانه، تأمین وسایل ورزشی و برپا کردن گردهمایی هفتگی در محل سازمان، برای جذب نیروهای جوان کوشید.<sup>2</sup>

سازمان زنان ایران هدف اصلی خود را دفاع از حقوق زنان ایران اعلام کرد. نشریه‌ی جهان زنان به‌صراحت اعلام کرد که اساسی‌ترین و بزرگ‌ترین هدف سازمان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان است و از عموم مردم ایران خواست ایشان را در این زمینه یاری کنند. پس از آن، در شماره 28 جهان زنان، در سال 1331 هـ ش اعلام شد که تا امروز، 65360 امضا برای دفاع از حقوق زنان در زمینه‌ی کسب حق رأی جمع‌آوری شده است. سازمان زنان یکی از فعال‌ترین گروه‌ها در زمینه‌ی حق رأی زنان بود؛ اما اوضاع سیاسی آن زمان مانع رسیدن آنها به خواسته‌ی خویش می‌شد.<sup>3</sup> با این حال، سازمان نیز

1. حمید احمدی، (1383)، ما هم در این خانه حقی داریم، تهران، اختران، ص 62.

2. نهضت زنان ایران و نشریات 1320-1332، ص 65.

3. سناتور (فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران)، ص 396.

پس از کودتای 28 مرداد، مانند حزب توده منحل شد و از آنجا که پس از کودتا، کمونیست‌ها تعقیب، شکنجه و اعدام می‌شدند، فعالیت‌های زنان نیز به فعالیت‌های زیرزمینی و مخفی تبدیل و نقش گروه‌های کمونیستی در جنبش زنان بسیار کم‌رنگ شد. به این ترتیب، وابستگی مستقیم گروه‌های چپ فعال در جنبش زنان، تبعاتی برای آنها داشت که در نهایت، به شکست تلاش‌های ایشان انجامید. از سوی دیگر، شکست این گروه‌ها، تأثیر زیادی در شکست جنبش زنان ایران در این دوره تاریخی داشت. در بخش بعدی به بررسی چرایی این شکست می‌پردازیم.

### ریشه‌های شکست زنان چپ‌گرای فعال در جنبش زنان ایران

وابستگی مستقیم زنان چپ‌گرای فعال در جنبش زنان ایران به احزاب سیاسی چپ، به‌ویژه حزب توده، موجب شد سه عامل از چهار عاملی که از نظر پارسونز موجب از بین رفتن یک سازمان می‌شود، ایجاد گردد؛ این سه عامل عبارتند از: دنبال نکردن اهداف اولیه، مطابقت نداشتن با محیط و پایدار نبودن. ناگفته نماند که عضویت زنان در احزاب سیاسی و شرکت آنها در فعالیت‌های سیاسی، اگر روند درستی را طی کند به احقاق حقوق زن در جامعه کمک می‌کند. حتی زنان فعال در جنبش زنان ایران، مانند مه‌رانیگز منوچهریان به‌صراحت شرکت زنان را در احزاب سیاسی لازم و واجب و زمینه‌ساز تحولات اجتماعی و سیاسی بزرگ می‌دانند.<sup>1</sup>

احزاب سیاسی چپ در ایران هرچند اجازه‌ی ورود زنان را به بدنه‌ی خود یا به صورت سازمان‌های زنان وابسته به خود دادند و امکانات گسترده‌ای را در اختیار زنان گذاشتند؛ همان‌گونه که در زیر خواهد آمد، عواملی را پدید آوردند که به جنبش زنان لطمه زد و موجب شکست آن شد. سازمان‌های زنان خلاف آنچه در مرامنامه‌ی خویش مطرح کرده بودند، با گرایش‌های کمونیستی عمل می‌کردند و بیش از پرداختن به موضوع زنان، در پی ایجاد تحول سیاسی در جامعه و پی افکندن حکومتی کمونیستی در کشور بودند. البته، فمینیست‌های کمونیست در کل دنیا چنین نگرشی داشتند و معتقد بودند که مسئله‌ی زنان

1. مه‌رانیگز منوچهریان، (1347) تربیت سیاسی و اجتماعی زن، تهران، انتشارات اتحادیه زنان حقوق‌دان ایران، صص 42-41.

وقتی حل می‌شود که جامعه از قید قوانین سرمایه‌داری نجات پیدا کند. بنابراین، باید ابتدا، حکومت و جامعه‌ای کمونیستی بر پا شود تا مسئله‌ی زنان و کسب حقوق ایشان، خودبه‌خود حل شود. به باور ایشان، در چنین جامعه‌ای است که زنان به حقوق خویش دست خواهند یافت.

در همین زمینه، مقاله‌ای در بیداری ما به نام «ما هم در این خانه حقی داریم»، منتشر شده است که بخشی از آن نقل می‌شود:

تمام مفاسد اجتماعی و بی‌نظمی هر خانواده و کشوری به واسطه اداره غلط آن پیش می‌آید. اداره کشور هم همان سیاست آن است؛ اگر حقیقتاً ما بخواهیم دست به اصلاح زنیم؛ نخست باید اداره آن را درست و اصلاح نماییم. وقتی این ماشین پوسیده و خراب اداره کشور را دور انداخته و ماشین جدید و دقیقی جایگزین کار گذاشتیم، باید با عجله و شتاب حقیقی دست به اصلاحات در تمام رکن زندگی خود بزنیم؛ آن وقت در مدت کوتاهی انقلاب شدیدی در افکار زن و مرد ایرانی به وجود آمده، از پرتوش آزادی زن و مرد و آسایش اجتماعی ما پدید خواهد آمد.<sup>1</sup>

همین اعتقاد باعث شد زنان کمونیست فعال در جنبش زنان، در عمل، بیش از پرداختن به مسئله‌ی زنان، مستقیماً وارد مسائل سیاسی شوند و از اهداف اصلی خویش بازمانند. تشکیلات زنان - که پیش از این معرفی شد - در حقیقت، سازمانی وابسته به حزب توده بود. حتی مسئولان نشریه‌ی بیداری ما که وابسته به این تشکیلات بودند از عملکرد تشکیلات زنان انتقاد و ادعا کردند که این سازمان خط‌مشی سیاسی - تشکیلاتی دارد.<sup>2</sup>

از سوی دیگر، به گفته‌ی خود سیاستمداران چپ ایرانی، حمایت احزاب کمونیستی از حقوق زنان، در حقیقت، ترفندی سیاسی برای جذب نیروی بیشتر و به‌دست آوردن وجهه‌ی سیاسی در بین زنان بوده است. به ادعای یکی از اعضای رهبری حزب توده، برای جلب زنان به مبارزه‌های سیاسی و طبق اصول و قواعد مارکسیستی، ابتدا می‌بایست انواع سازمان‌ها و تبلیغات به‌کار گرفته می‌شد و ده‌ها مسئله‌ی کار، خانواده، معیشت، شغل و شیوه زندگی برای زنان مطرح می‌شد تا دورنمای آینده در مقابل چشم آنان زیبا ترسیم

1. بیداری ما، (1324)، «ما هم در این خانه حقی داریم»، سال دوم، شماره سیزدهم، ص 18.

2. ما هم در این خانه حقی داریم، ص 62.

شود.<sup>1</sup> بنابراین، شاید این زنان ناخواسته به دام تبلیغات حزب توده افتاده باشند، ولی از تبعات سوء وابستگی به این حزب در امان نماندند و از این امر آسیب بسیاری دیدند. خود سازمان یا حزب توده نیز این شکست‌ها را می‌دید و به آنها اعتراف می‌کرد. حزب توده، در غائله‌ی نفت شمال، اعلام خودمختاری آذربایجان و تبعات آن، و در نهایت کودتای 28 مرداد، چهره‌ی واقعی خود را به مردم ایران نشان داده بود. برای مثال، نورالدین کیانوری اعتراف می‌کند که نبود پیوند لازم بین حزب توده و عمق جامعه و تندرستی‌های حزب پیامدهای منفی بسیاری داشت که حزب را از توده‌ی مردم دور و آن را منزوی می‌ساخت،<sup>2</sup> بنابراین، هیچ گروه وابسته به این حزب نمی‌توانست از این انزجار عمومی برکنار بماند و منزوی نشود.

در گزارشی که با امضاء محمدرضا قدوه، یکی از اعضای حزب توده، در سال 1339 هـ.ش منتشر شد، پاره‌ای از نتیجه‌گیری‌های حزب در خصوص تشکیلات زنان مطرح شده و چنین آمده است:

1. تشکیلات زنان نتوانسته در بین تمام زنان ایران نفوذ کند؛ 2. رهبری تشکیلات زنان با دخالت حزب توده انتخاب می‌شده است؛ 3. رهبری تشکیلات زنان حزب را الگوی خود قرار داده است و کارهای خود را از حزب تقلید می‌کند؛ 4. الگوی تشکیلات زنان در کارهای سیاسی - تعلیماتی و تبلیغاتی، حزب توده بوده است.<sup>3</sup> همه‌ی این مسائل، باعث ناکامی این تشکیلات در اجرای حتی یک بند از مرامنامه‌ای شد که ادعا می‌کرد. به این ترتیب، تشکیلاتی چنین منظم و سازماندهی شده که از حمایت بزرگ‌ترین و عمده‌ترین حزب سیاسی کشور، یعنی حزب توده برخوردار بود، نتوانست به موفقیت چشمگیری دست یابد. موضوع مهم این است که گروه‌های وابسته به حزب توده با طرح مسئله‌ی زنان موجب شدند بسیاری از اقدامات زنان فعال در جنبش زنان به نام گروه‌های توده‌ای تمام شود، جنبش زنان لطمه بخورد و دیدگاه مردم نسبت به جنبش زنان منفی شود. در همین زمینه،

1. گلاویز، (1375)، اعترافات سران حزب توده‌ی ایران، ج اول، تهران، نگاره، ص 142.

2. بابک امیرخسروی، (1375)، نظر از درون به نقش حزب توده ایران (نقدی بر خاطرات نورالدین کیانوری)، تهران، اطلاعات، صص 620-621.

3. خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمایان)، ص 42.

خانم نصرت‌الملوک کشمیری، یکی از فعالان جنبش زنان در دهه‌های 20 و 30 هـ.ش، در نشریه‌ی ندای ایرانی چنین می‌نویسد:

اف بر این تشکیلات جهنمی، لعنت بر این شبکه‌ای که با الفاظ و اصطلاحات فریبنده، منطق ایدئولوژیکی خود را محو صفات و خصوصیات قوم ایرانی می‌داند و دیوانه‌وار به بیگانه عشق می‌ورزد و در راه محبوب مضایقه نمی‌کند، عصمت و آزادی و مذهب را لگدمال می‌سازد... زنان ایران شما سهم بزرگی در این جنبش دارید. شما در آزمایش‌های اجتماعی، سربلند بیرون آمده‌اید، این دست‌های مرموز که از قبر کمپانی بیرون آمده و راه شمال را نشان می‌دهند می‌خواهند چنین نیروی معصوم و مقاومی را در برابر مام میهن شرمنده ساخته و خائن جلوه دهند. موقعی است که مشت‌های گره کرده خود را نشان دهید و ثابت کنید که اغفال نمی‌شوید.<sup>1</sup>

به این ترتیب، نه تنها هیچ‌یک از تلاش‌های زنان چپ‌گرای فعال در جنبش زنان به نتیجه نرسید، حتی به کل جریان جنبش زنان در این دوران لطمه زد. یکی دیگر از تبعات وابستگی به حزب توده، پایدار نبودن سازمان‌های زنان چپ‌گرا بود. همین امر بزرگ‌ترین آسیب را به آنها وارد کرد. همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، اولین تشکیلات چپ زنان، در پی انحلال حزب توده در سال 1327 هـ.ش منحل شد. سازمان زنان ایران نیز از همراهی و وابستگی به حزب توده ضربه خورد و به دنبال کودتای 28 مرداد و تعقیب، شکنجه و اعدام اعضای حزب توده منحل و تبدیل به گروهی زیرزمینی شد که فقط فعالیت سیاسی می‌کرد، اما از عرصه‌ی تاریخ جنبش زنان ایران محو شد.

علت دیگر ناکامی زنان چپ‌گرای فعال در جنبش زنان ایران، مطابقت نداشتن با فرهنگ اجتماعی ایران بود؛ یعنی سومین عاملی که پارسونز برای شکست یک سیستم معرفی کرده است. مرام کمونیستی این گروه‌ها و وابستگی به یک حزب کمونیستی مانند حزب توده، موجب وحشت عامه‌ی مردم به‌ویژه قشر متوسط مذهبی ایران می‌شد. به این ترتیب، زنان چپ‌گرای فعال در جنبش زنان در عمل شکست خوردند و نتوانستند به‌صورت سازمانی پایدار، رسالت ادعایی خود را انجام دهند و قدمی مؤثر برای زنان این مرز و بوم بردارند.

1. ندای ایرانی، سال سوم، 7 اسفند ماه 1330، صص 1-3.

### نتیجه

جنبش زنان ایران، از ابتدای تشکیل، به اجبار، به مردان و روشنفکرانی نزدیک شد که در عرصه سیاست ایران فعالیت می‌کردند. به نظر می‌رسد، گرفتن کمک از مردان و همفکری در این دوران اجتناب‌ناپذیر بوده است. حملات متعصبان به فعالیت‌های زنان و ضددین دانستن این فعالیت‌ها، ایجاد مزاحمت از طرف اشرار جامعه، حمایت نکردن دولت از زنانی که برای بهبود وضعیت زنان می‌کوشیدند و مشکلات مالی، جنبش زنان را به مردان وابسته می‌کرد.

این وابستگی، در گروه‌های زنان چپ‌گرا جدی‌تر و مشهودتر بود. از آنجا که دولت‌ها هرگز گروه‌های چپ‌سیاسی را تحمل نمی‌کردند و از سوی دیگر، عامه مردم نیز از آنها استقبال نمی‌کردند؛ این گروه‌ها آسیب‌های زیادی دیدند و در نتیجه‌ی آن گروه‌های زنان وابسته به ایشان نیز از تبعات این آسیب‌ها در امان نماندند.

این احزاب با عملکرد غلط در جریانات سیاسی، پایگاه اجتماعی خویش را به تدریج از دست دادند. زنان وابسته به این احزاب نیز هرچند مدعی مبارزه برای کسب حقوق زنان بودند، در عمل، به علت وابستگی به حزب کمونیستی توده نتوانستند اهداف اولیه خویش را دنبال کنند و جلوه شایسته‌ای در جامعه ایران بیابند. در نتیجه، با منحل شدن حزب توده پس از کودتای 28 مرداد، سازمان‌های زنان چپ‌گرای وابسته به ایشان نیز از عرصه فعالیت‌های جنبش زنان ایران به راحتی حذف شدند و بسیاری از تلاش‌های آنان برای کسب حقوق زنان بی‌ثمر شد.

## منابع و مأخذ

- آبراهامیان، یرواند، (1377)، ایران بین دو انقلاب: در آمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی و دیگران، تهران، نشر نی.
- احمدی، حمید، (1383)، ما هم در این خانه حقی داریم، تهران، اختران.
- احمدی خراسانی، نوشین و اردلان، پروین، (1382)، سناتور (فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران)، تهران، توسعه.
- اسکندری، ایرج، (1372)، خاطرات ایرج اسکندری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- امیرخسروی، بابک، (1375)، نظریه‌ی درون به نقش حزب توده ایران (تقدی بر خاطرات نورالدین کیانوری)، تهران، انتشارات اطلاعات.
- بامداد، بدرالملوک، (1347)، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، چاپ سنگی دانشگاه تهران
- پاولویچ، م. و تریا، س. ایرانسکی (1357). سه مقاله درباره انقلاب مشروطه‌ی ایران. ترجمه م. هوشیار، تهران، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی
- توکلی، آفرین، (1382)، کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، نهضت زنان ایران و نشریات 1320-1332.
- دلریش، بشری، (1375)، زن در دوره قاجاریه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ریشه، گی، (1376)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- زاهد زاهدانی، سعید و بیژن خواجه نوری، (1384)، جنبش زنان ایران، شیراز، ملک‌سلیمان.
- ساناساریان، الیز، (1384)، جنبش حقوق زنان در ایران، افول و سرکوب از 1280 تا انقلاب 1357، ترجمه‌ی احمدی خراسانی، تهران، اختران.
- شوستر، مورگان، (1333)، اختناق ایران، کلکته، مطبع حبل‌المتین.
- شیخ‌الاسلامی، پری، (1351)، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران، تصحیح غفوراراشقی، تهران، زرین.
- فصیحی، سیمین و مریم نوری امیرآبادی، (1389)، «نقش دوگانه حزب دموکرات ایران در مشارکت سیاسی زنان»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیستم، شماره 6، صص 108-127.
- فرمانفرمائیان، مریم، (1374)، خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمائیان)، تهران، انتشارات اطلاعات.
- فوران، جان (1377)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی از سال 1500 میلادی مطابق با 879 شمسی تا انقلاب، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کدی، نیکی آر، (1384)، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم.
- کرایب، یان، (1378)، نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، آگاه.
- کیانوری، نورالدین، (1371)، خاطرات نورالدین کیانوری، تهران، انتشارات اطلاعات.
- کربلائی، حسن، (1361)، قرارداد رژی 1890 م یا تاریخ انحصار دخانیات در سال 1309 ق، تهران، انتشارات مبارزان.

## علل شکست زنان چپ‌گرای فعال در جنبش زنان ... 187

- گلاویز، (1375)، اعترافات سران حزب توده‌ی ایران، ج اول، تهران، نشر نگاره.
- مدیر شانه‌چی، محسن، (1384)، فرهنگ احزاب و جمعیت‌های سیاسی ایران، تهران، نگاه معاصر.
- منوچهریان، مهرانگیز، (1347)، تربیت سیاسی و اجتماعی زن، تهران، اتحادیه زنان حقوقدان ایران.
- نجمی، ناصر، (1370)، دولت‌های ایران از کودتای سوم اسفند 1299 تا آذر 1358: از سید ضیاء تا بازرگان، ج اول، تهران، ناشر: نویسنده.
- همیلتون، پیترو، (1379)، تالکوت پارسونز، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، انتشارات هرمس.
- وطن‌دوست، غلامرضا، (1385)، بررسی موقعیت زن ایرانی در نشریات مشروطه، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

### نشریات:

- آینده، (1323)، «راجع به تساوی حقوق زنان با مردان در انتخابات مجلس و انجمن‌های محلی»، شماره اول، صص 39-41.
- بیداری ما، (1324)، «مبارزه امروز ما»، سال دوم، شماره دوم، صص 1-3.
- بیداری ما، (1324)، «علت نرفتن نمایندگان تشکیلات زنان به کنگره بین‌المللی زنان»، سال دوم، شماره پنجم، صص 47-48.
- بیداری ما، (1324)، «ائتلاف زنان جبهه آزادی»، سال دوم، شماره سیزدهم، ص 4.
- بیداری ما، (1324)، «ما هم در این خانه حقی داریم»، سال دوم، شماره سیزدهم، ص 18.
- بیداری ما، (1325)، «تلگراف به پیشه‌وری: رئیس فرقه دموکرات آذربایجان»، سال دوم، شماره هشتم، ص 51.
- صدای مردم ایران، (1386)، «65مین سالگرد تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و فزاینده‌ی تاریخ پر افتخار آن»، دسترسی در نشانی اینترنتی: [www.sedaymardom.net](http://www.sedaymardom.net)، تاریخ دسترسی: 138/8/27.
- ندای ایرانی، (1330)، سال سوم، 7 اسفند ماه، صص 1-3.

### منابع لاتین

- Paidar, Parvin (1995). *Women and the political process in twentieth-century Iran*. Cambridge university press.
- Scott, Alan (1990). *Ideology and the new social*